

رو در رو

### طمع زیاد

سیامک ۳۶ ساله، سارق تازه کاری است که وقتی برای صدور حکم نهایی پرونده‌اش از زندان به دادگاه منتقل شده بود؛ از شاکیان پرونده اش می خواست او را ببخشند و مدتی به او مهلت بدهند تا پول اموال سرقتی را باز گرداند. این مرد جوان یک سارق لوازم داخل خودروست که پس از یک زمان کوتاه در آخرین سرقتش از سوی ماموران گشت کلانتری دستگیر شده است.

■ **سابقه داری؟**

نه، یک طمع و اشتباه باعث شد تا به زندان بروم.

■ **طمع؟**

بله، طمع پولدار شدن و زندگی آرام.

■ **مگر سر کار نمی رفتی؟**

کار گر بودم و با در آمد ماهی یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان، هیچ وقت نمی توانستم به رویاهایی که داشتم برسم.

■ **چه رویایی داشتی؟**

خرید یک خانه و داشتن یک خودروی لوکس و آخر هفته های خوب و استراحت کردن در کنار خانواده ام بدون هیچ دغدغه ای، این هروایی من و خیلی از انسان های دیگر است.

■ **از دواج کردی؟**

بله، یک فرزند دو ساله دارم.

■ **همسرت با زندگی که برایش فراهم کرده بودی، مخالفت داشت؟**

نه، ما عاشق هم بودیم و از روز نخست می دانست که نمی توانم یک زندگی رویایی برایش فراهم کنم و تنها به خاطر علاقه ای که به هم داشتیم با من از دواج کرد.

■ **همسرت در این سال ها به شرایط زندگی اعتراض کرده بود؟**

نه، هیچ وقت اعتراضی نکرده بود.

■ **پس چرا به فکر تغییر بزرگ وزود هنگام در زندگی ات بودی؟**

آرزوهایم بیشتر شده بود و با توجه به این که شرایط اقتصادی هر روز سخت تر می شد، احساس می کردم دیگر نمی توانم به رویاهایم برسم.

■ **بهترین راه دزدی بود؟**

نمی دانم، هیچ فکر دیگری به ذهنم نرسید.

■ **چطور به فکر سرقت افتادی؟**

یک شب تا صبح بیدار بودم و به فکر یک راه حل بودم. همه مسیر ها زمان بر و احتمال این که به موفقیت برسم خیلی کم بود به همین دلیل فکر سرقت در ذهنم تداعی شد.

■ **شیوه و شگرد؟**

بعضی شب ها به پنهان این که یک کار جدید پیدا کردم و شب کاری می کنم از خانه خارج می شدم و سوار بر موتور در خیابان ها پرسه می زدم و با پیدا کردن خودروهایی که سیستم امنیتی نداشت و شکستن شیشه خودرها اقدام به سرقت لوازم داخل خودرو می کردم.

■ **با وسایل سرقتی چه می کردی؟**

آن ها را در انباری خانه نگه می داشتم و سپس فردای آن روز به منطقه شوش می رفتم و وسایل سرقتی را به قیمت کم می فروختم.

■ **چه مدت دزدی کردی؟**

نزدیک به سه ماه.

■ **چقدر پول به دست آور دی؟**

۱۰ میلیون تومان.

■ **با پول ها چه کردی؟**

آن ها را در یک حساب بانکی پس انداز کردم.

■ **چطور دستگیر شدی؟**

در حال سرقت از یک خودرو بودم که پلیس رسید و خودم را تسلیم ماموران کردم.

■ **فکر می کردی دستگیر شوی؟**

نه، چون تازه کار بودم و همیشه در زمان سرقت همه جوانب را مورد بررسی قرار می دادم تا دستگیر نشوم اما غافل از این بودم که پلیس در تعقیب ام است.

■ **قصه داشتی تا چه زمانی دزدی کنی؟**

نمی دانم هیچ برنامه ای نداشتم، مهم تر از همه این بود که یک حساب پر از پول داشته باشم.

■ **اگر از خودت دزدی شود چه حسی پیدا می کنی؟**

خوب ناراحت می شوم و حق می دهم شاکیان پرونده ام از من شاکی باشند اما پشیمانم و اشتباهه کردم.

■ **به نظرت همسرت حاضر به ادامه زندگی است؟**

بله، پشیمانم و از همسرم خواستم که یک فرصت دیگر به من بدهد.

■ **حرف آخر؟**

می دانم کار اشتباهی انجام دادم و از شاکیان پرونده ام می خواهم که کمی به من فرصت بدهند تا بتوانم پول وسایل سرقتی شان را باز گردانم.

#### باز پرس ویژه قتل تهران بررسی می کند

## سناریوی مرموز مرگ آتشین پدر و ۲ دخترش



اعلام کردند که همسایه های زن جوان ماجرای آتش سوزی را به زن جوان که بیرون از خانه بوده است، اطلاع دادند.

در بررسی های بعدی پلیس کانادا اعلام کرد که یکی از دختران زوج جوان قبل از این اتفاق در فضای مجازی از پدرفتاری های پدرش نوشته و به دوستانش گفته که پدرشان آن ها را دوست ندارد و پرایشان آرزوی مرگ می کند.

تیم پلیسی در گام بعدی تحقیقات اطلاع پیدا کردند که کارشناسان آتش نشانی در کانادا علت آتش سوزی را عمدی اعلام کردند و همین حکایت از یک ماجرای مر موز و پنهان دارد. بنا به این گزارش، با توجه به اطلاعات به دست آمده فرضیه آتش سوزی عمدی از سوی عروس خانواده رد شده و نقشی در این ماجرا نداشته است و تحقیقات تکمیلی در این پرونده ادامه دارد.

ها با من تماس گرفتند و از آتش سوزی خانه ام خبر دادند که به سرعت خودم را به خانه رساندم که در این صحنه همسر و دختر کوچکم فوت کرده بودند اما دختر بزرگم با مرگ دست و پنجه نرم می کرد که در مسیر بیمارستان به کام مرگ فرو رفت و پس از مدتی به ایران بازگشتم و در کنار خانواده ام زندگی می کنم.

این زن جوان گفت: من در این ماجرا تنها شدم و نمی دانم چطور می گویند این اتفاق از سوی من صورت گرفته است چون من عاشق فرزندانم بودم و در زمان این حادثه نیز در خانه نبودم.

■ **پلیس کانادا**

تیم پلیسی پس از تحقیقات از زن جوان، برای رسیدن به اطلاعات بیشتر از پلیس کانادا درخواست کمک کردند.

ماموران پلیس کانادا در تجسس های میدانی

### قتل فجیع در یک ازدواج موقت



زنی که از پدرفتاری های همسر صیغه ای اش خسته شده بود با همدستی یک پسر جوان نقشه قتل او را کشید و جنایت هولناکی را رقم زد. متهمان پس از جدا کردن سر قربانی، جسد او را در جاده دماوند به آتش کشیدند.

در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز در شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران برگزار شد، ابتدا نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و گفت: علی ۳۰ ساله متهم است با همدستی سمیه ۲۷ ساله شوهر صیغه ای سمیه به نام حسن را در خانه شان کشته و با همدستی خواهر سمیه به نام سمیرا جسد را در جاده دماوند به آتش کشیده اند. اکنون با توجه به مدرک های موجود در پرونده برای علی به اتهام قتل، بر ای سمیه به اتهام معاونت در قتل و برای سمیرا به اتهام مشارکت در مخفی کردن جسد تقاضای اشد مجازات دارم.

■ **گذشت از قصاص**

سپس پدر قربانی در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: متهمان

با بی رحمی زیاد پسرم را کشتند اما من نمی توانم برای آن ها در خواست قصاص کنم. به همین دلیل با دریافت دیه

اعلام گذشت می کنم اما آن ها را به خدا واگذار می کنم. سپس علی در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: مدتی بود با سمیه آشنا شده بودم. سمیه می گفت، همسر صیغه ای اش مرد بد اخلاقی است و مد ام او را کتک می زند. او با من در ددل

کرد و من کمک خواست. به همین دلیل تصمیم گرفتم تا حسن را که سدره خویشتی ما بود از میان برداریم و با هم از دواج کنیم.

■ **تشریح جنایت**

وی ادامه داد: من تعدادی قرص خواب خریدم و آن ها را به سمیه دادم. طبق نقشه سمیه قرص ها را داخل آب میوه ریخت و به شوهر صیغه ای اش داد. من وقتی به خانه سمیه و شوهرش رفتم حسن در خواب عمیق بود که چند لگد به او زدم و متوجه شدم دیگر تکان نمی خورد. آن جا بود که فهمیدم جان سپرده است. می خواستم با تیغ سرش را ببرم اما نشد. به همین دلیل با چاقوی آشپزخانه سرش را از بدنش جدا کردم. دوشبانه روز جسد در خانه بود و منی دانستم با آن چه کار کنیم. به همین دلیل سمیه با خواهرش تماس گرفت و از او کمک خواست. وقتی سمیرا به آن جا آمد جسد را میان موکت پیچیدیم و با تا کسی اینترنتی به جاده دماوند بردیم. وی در حالی که سرش را پایین انداخته بود، ادامه داد: من در جاده دماوند بنزین خریدم و آن جا جسد را آتش زدم تا راز قتل بر ملا نشود. من قبول دارم اشتباه بزرگی مرتکب شده ام و پشیمانم. حالا می خواهم به پدر مقتول بگویم من واقعا قصد کشتن پسرش را نداشتم. قرار بود من و سمیه به او قرص بدهیم تا به خواب عمیق برود و ما بتوانیم فرار کنیم. اما حسن متوجه ماجرا شد و من ناچار شدم او را بکشم. پسر جوان گفت: من اگر قصد کشتن حسن را داشتم همراه خودم چاقوی می بردم. اما من سر او را

#### پیداشدن یک جمجمه در جنوب تهران

انسان روبه رو شدند. بدین ترتیب تیمی از ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران همراه تیم تشخیص هویت به دستور بازپرس پرونده به صحنه جرم اعزام شدند که در بررسی های ابتدایی کارشناسان پزشکی قانونی اعلام شد این جمجمه

### بررسی حوادث

■ **نظر کارشناسی**

#### مهاجرت های محکوم به تنهایی

دکتر امان ... قزایی مقدم جامعه شناس و استاد دانشگاه برخی زوج ها قبل یا بعد از تشکیل خانواده مشترک تصمیم به مهاجرت می گیرند ولی قبل از این تصمیم شرایط زندگی، مصائب و مشکلاتی را که ممکن است در کشور بیگانه با آن رو به رو باشند تحلیل نمی کنند و مورد بررسی قرار نمی دهند. این افراد در فضای جو قرار می گیرند و بدون درک در ست از شرایط و تحلیل زندگی سالم تصمیم به اقدامی آتی می گیرند که سختی ها و مصیبت هایش در آینده دامن گیر زندگی خانوادگی شان می شود.

وقتی این افراد به کشورهای دیگر مهاجرت می کنند با تنوعی از فرهنگ، قوانین زندگی و شرایط عجیب رو به رو می شوند که همین سر در گمی به دلیل نداشتن تجربه و حیات و خلق و خوی شان را تحت الشعاع قرار می دهد.

شاید آن ها هدف و مقاصدی را برای خود از پیش طراحی کرده اند اما باید برای رسیدن به اهداف در ست نیز وسیله ای در ست هم وجود داشته باشد و اغلب مهاجرت هایی که به شکست منجر می شود به این دلیل است که هدف وجود دار ولی وسیله ای برای آن هدف مطرح نشده است. از این رو به همین دلیل است که به طلاق و جدایی کشیده می شود برخی از این زوج ها تصور می کنند با مهاجرت کردن نوع و سبک زندگی شان تغییر می کند و بهتر می توانند زندگی کنند اما وقتی با مشکلات عیدیه رو به رو می شوند توان حل بحران در کشور بیگانه را ندارند و شاهد از هم پاشیدگی خانواده ها هستیم.

رو به رو شدن با سطح تفکر، آگاهی، بینش و ذهنیت مردمانی که قرار است در کنار شان زندگی کنیم نیاز به کسب اطلاعات دارد که این افراد اغلب ذهنیت شان تغییر می کند و از فضا های بسته و محدود به فضا های متنوع می روند که همین موضوع موجب درگیری ها و نزاع خانوادگی بین زن و شوهر می شود که در کشور بیگانه کار شان به طلاق کشیده می شود. در برخی کشور های خارجی چون محدودیت های خاصی وجود ندارد افراد تا با آن شرایط عادت کنند زمان زیادی نیاز است و در طول این مدت که سر در گم هستند ممکن است احساس بی هویتی کنند و همین امر وضعیت زندگی شان را تغییر می دهد. این افراد چون ناشناخته قدم در کشور دیگری می گذارند و با فرهنگ مردمان آن آشنا نیستند در گیر تضادهای خانوادگی می شوند؛ شاهد طلاق عاطفی سپس رسمی در بین این خانواده ها هستیم.

این قبیل خانواده ها نه تنها خود را با سر در گمی رو به رو می کنند بلکه فرزندان و آینده آن ها نیز با مخاطراتی رو به رو می شود که در زندگی های نابه سامان با سر گردانی های بی شمار زندگی خواهند کرد.

### اصرار مرگبار یک مادر برای بازگشت به خانه

ویژه ایستادند و برای پرویز حکم قصاص خواستند. وقتی پرویز روبه روی قضات ایستاد جرمش را انکار کرد و گفت: قبول دارم آن روز با همسر سابقم در گیر شدم اما من فقط یک ضربه با چاقو به کتف اوز دم. وی در تشریح ماجرا گفت: وقتی دعوایمان ما بالا گرفت میترا به سمت آشپزخانه رفت و چاقوی آشپزخانه را برداشت و به سمت من حمله کرد. او می خواست مرا با چاقو بزند که چاقو را از او گرفتم و چاقو ناخواسته به کتف او برخورد کرد. من نمی دانم ضربه های دیگر را چه کسی به او زده است. من واقعا قصد کشتن میترا را نداشتم.

بنا به این گزارش، در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.



### سرقت در نقش مدیرستوران

های قضایی دستور توقیف خودروی وی صادر شد و در نهایت متهم در حالی که سوار بر خودرواش بود روز ۱۳ آبان توسط ماموران کلانتری ۱۴۷ گلبرگ دستگیر و خودروی وی توقیف شد.

مسعود در اعترافاش گفت: زمانی که کارگران خواب بودند و دور بین ها خاموش بود، وسایل داخل رستوران را سرقت کردم و به خانه مجری دم در شهر پردیس بردم.

همین کافی بود تا تیمی از ماموران به مخفیگاه متهم بروند و در بازرسی از خانه وسایل سرقتی رستوران و همچنین تعدادی لباس و تجهیزات نظامی و مقادیر زیادی لوازم تحریر و عروסק های نو، لوازم یدکی خودرو و... به دست آوردند. با توجه به دستگیری سارق و کشف اموال سرقتی، متهم با صدور قرار قانونی از سوی شعبه یکم دادیاری دادسرای ناحیه ۱۵ تهران برای انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار کارآگاهان پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفت.

نداشت. محیط و محل ساختمان رستوران در جایی قرار داشت که امکان ورود سارق از بیرون به داخل آن وجود نداشت. صاحب رستوران بار دیگر هدف تحقیق قرار گرفت و گفت: مسعود از دوستانم بود ولی بعد از این که متوجه شدم سرقت رخ داده رستوران را ترک کرد و از وی نشانی ندارم.

یکی از کارگران که توسط مسعود برای کار در رستوران معرفی شده بود به کارآگاهان اعلام کرد: چند شب قبل از وقوع سرقت، مسعود به من دستور داد که آخر شب دوربین ها را قطع کنم و همان شب دوربین های رستوران را قطع کردم و راهی خانه شدم.

■ **دستگیری متهم**

بدین ترتیب دستگیری مسعود در دستور کار کارآگاهان قرار گرفت اما جا و مکان مناسبی از وی به دست نیامد تا این که در گام بعدی مشخص شد متهم یک خودروی پراید دار و دو هما هنگی

مرد جوان در نقش مدیر یک رستوران، دست به سرقت وسایل داخل رستوران زد و گریخت. ۱۰ اردیبهشت امسال پرونده ای از سوی صاحب یک رستوران با موضوع سرقت وسایل رستوران توسط کلانتری ۱۲۷ نارمک برای رسیدگی تخصصی به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران ارسال شد.

مرد جوان با حضور در پایگاه چهارم اظهار کرد، اسفند سال گذشته مدیریت رستوران را به یکی از دوستانم به نام «مسعود ۳۵ ساله» سپردم. ولی روز ۱۷ اردیبهشت امسال متوجه شدم تعداد زیادی از اموال داخل رستورانم شامل؛ سماور زغالی مسی، آمپلی فایر، چند باکس تپیا کو، دستگاه اسپرسوساز و... به ارزش سه میلیارد ریال از داخل رستوران سرقت شده است.

کارآگاهان پس از اظهارات شاکی به منظور بررسی صحت و سقم قضیه به محل رستوران اعزام شدند و بازدید مشخص شد، هیچ گونه آثار تخریبی در در ها و پنجره های رستوران وجود